شهر نیشابور در گذر زمان(عصر قدیم و جدید)

امیر رحمانی[۱]، مجید یوسفی نوید[۲]، عبدالله مسلسل[۳]، محسن قربانخانی[۴]

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱
تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۱۷

چکیده

تاریخ یک جامعه هویت آن جامعه و منشاء عمده‌ی دگرگونی‌های اجتماعات بشری که تمام جهتگیری‌ها و کارکردهای گوناگون از آن سرچشمه می گیرد، می‌باشد، لذا آگاهی از تاریخ به جهت شناخت هویت و نقطه‌ی آغازین دگرگونی‌های اجتماعی ـ تاریخی ضروری به‌نظر می‌رسد. نیشابور شهری در قلب خراسان است. ساختن نیشابور را به شاپور اول ساسانی نسبت می‌دهند و اسم شهر را به معنی نهاده نیک شاپور میدانند. ابرشهر نام قدیم نیشابور است که احتمال دارد این نام در اصل شهر آپارناک یا آپارنی و جایگاه یکی از سه قبیله‌ی مهم پارت بوده باشد که شاهنشاهی نیرومند اشکانی را بنیاد کردند. از آنجایی که هدف از پژوهش حاضر شناخت و بررسی تاریخی شهر نیشابور به‌عنوان یکی از شهرهای خراسان بزرگ در گذر زمان(عصر قدیم و جدید) می‌باشد، روش پژوهش منطبق بر روش توصیفی– تحلیلی و به‌صورت مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانهای است، لذا در این راستا از مقالات، کتب، پژوهشها و طرح‌های مستند داخلی و خارجی مرتبط با موضوع در جهت دستیابی به هدف پژوهش استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شهر نیشابور در مقایسه با سایر شهرهای خراسان دارای دو وجه تمایز اساسی نظیر تاسیس مدارس و تدریس علوم مختلف و همچنین ساختن هرچه باشکوهتر مساجد برای رقابت و در نتیجه بالابردن سطح دانش و ایجاد برتری نسبت به سایر شهرهای اسلامی بوده و از نظر تجارت و صنعت نیز به دلیل وجود آثار تاریخی– باستانی و بازارهای فراوان بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

واژگان کلیدی

شهر نیشابور، گذر زمان، تاریخ و هویت، خراسان

---

۱. نویسنده مسئول مدرس گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحدهمدان
Amir_Rahmani_1366@Yahoo.com
۲. مدرس گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان
۳. کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحدهمدان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان
۴. کارشناس شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحدهمدان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان

مقدمه

هر پدیـــده کوچـــک تاریخی کـــه هم‌اکنون در ایـــن دیار می‌بینید، نشـــانه‌ای اســـت از فرهنگ ایران بزرگ، عصاره تاریخ و فرهنگ ایران باســـتان از زبان، رســـوم و سنت‌های مردم زحمتکش ایـــن خاک و بوم تـــراوش می کند(بایمت اف، ۱۳۸۵: صص۴۵-۴۳). فرهنگ و تمدن اسلامی فصل تازه و درخشانی در تاریخ زندگی بشر گشود و با پیام آگاهی، آزادی و عدالـــت، راهی فراروی ملت‌ها نهاد. از شـــهرهایی چون نیشابور، بلخ، سمرقند، بخارا و دیگر شهرهای تاریخی خراســـان، در زمینه دین و علم، آثاری پدید آمد که سیمای زندگی دینی و دنیوی مسلمانان را دگرگون ساخت(استیون لوکاس، ۱۳۷۸: ص۲).

شـــواهد تاریخی بیانگر آن است که ســـرزمین خراسان در طول تاریخ، هیچـــگاه دارای مرز ثابـــت جغرافیایی نبوده و تحت تاثیر عوامل مختلف، محـــدوده‌اش همواره کاهش یا گسترش یافته‌است. به طور سنتی سرزمین‌های شرق کویر نمک را خراســـان خوانده‌اند، لیکن حدود شرقی آن در طول تاریخ دستخوش تغییر بوده‌اســـت. معمولاً گفته می‌شود که خراسان از شرق به ترکستان و هندوستان محدود بوده‌است. خراسان را از شمال محدود به ماوراءالنهر می‌دانند لیکن گاه ماوراءالنهر هم بخشی از خراســـان به حساب آمده‌است. در دوره اســـلامی شـــهرهای بلخ، هرات، مرو و نیشابور چهار شهر اصلی خراسان بودند. شهر نیشابور در سال ۳۱ هجری (۶۴۳ میلادی) و در زمان خلافت عثمان فتح شد و در دوره اسلامی، یکی از چهار شـــهر بزرگ خراسان و به عنوان نماد تاریخ و فرهنگ ایران مطرح شده‌اســـت. همچنین نیشابور پایتخت اولین حکومت نیمه مســـتقل ایرانـــی پس از دوره امویان بوده‌اســـت. وســـعت و عظمت این شـــهر در حدی بوده اســـت که آن را ام البلاد می خوانده اند. در اوایل دوره اسلامی، وسعت و عظمت این شهر به حدی بود که شهرتی جهانی یافت، به همین ســـبب نیز بر روی سکه هایی که در دوران خلفای اموی و عباسی ضرب می شد، نام این شهر نیز دیده می شود(الحاکم نیشـــابوری، ۱۳۷۵: ص۴۱). نیشابور در زمان غزنویان و سلجوقیان از شـــهرهای مهم خراسان محسوب می شد. این شـــهر که یکی از مراکز تمدن و هنر ایران و خراسان اســـت شاعران و اندیشـــمندان بسیاری را در خود پرورانده است، در مســـیر جاده ابریشم قرار داشته و اکتشافات باستان شناسی قابل توجهی در آن صورت گرفته است(بایمت اف، ۱۳۸۵: صص۴۵-۴۳). نیشابور هم اکنون شهری بزرگ و آباد اســـت و آثار دیدنی بسیاری دارد، از این رو در پژوهش حاضـــر به دلیل اهمیت و جایـــگاه تاریخی و فرهنگی شـــهر نیشـــابور در خراســـان بزرگ، به شناخت و بررسی تاریخی شـــهر نیشـــابور در گذر زمان(عصر قدیم و جدید) پرداخته شده است.

هدف و روش تحقیق

تاریخ یک جامعه هویت آن جامعه اســـت و منشـــاء عمده دگرگونی‌های اجتماعات بشـــری که تمام جهت گیریها و کارکردهای گوناگون از آن سرچشـــمه می گیرد، لذا آگاهی از تاریخ، فرهنگ و تمدن به جهت شـــناخت هویت و نقطه آغازین دگرگونی‌های اجتماعـــی ـ تاریخی ضروری به نظر می‌رســـد. از آنجایی که هدف از پژوهش حاضر شـــناخت و بررسی تاریخی شهر نیشـــابور به‌عنوان یکی از شهرهای خراســـان بزرگ در گذر زمان(عصر قدیم و جدید) می‌باشد، روش پژوهـــش منطبق بـــر روش توصیفـــی- تحلیلی و به‌صورت مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانهای است، لذا در این راستا از مقالات، کتب، پژوهشها و طرح‌های مستند داخلی و خارجـــی مرتبط با موضـــوع در جهت دســـتیابی به هدف پژوهش استفاده شده است.

مبانی نظری تحقیق

تمـــدن راه مشـــترک زندگی، اندیشـــه و کنش انســـان و دربرگیرنده ســـازگاری کلی با نیازهای اقتصادی یا محیط جغرافیایی پیرامون و سازمان مشـــترکی برای فرو نشاندن نیازهای اجتماعی و سیاســـی محیط پیرامـــون و مجموعه مشترکی از اندیشه‌ها و دســـتاوردها است، به عبارتی تمدن صورت و تجسم عینی فرهنگ است، همانطور که فرهنگ ظهور و بسط تفکر می باشد. بعد از اســـلام آوردن بسیاری از اقوام غیرعرب و در آمیختن آنها بـــا عربها قوم تازه‌ای به وجود آمد که قرآن کتـــاب اصلی آنان بود و بـــه ناچار همه عربی می‌آموختند. در نتیجه جهان اســـلام آمیزه‌ای از اقوام گوناگون بود که قرآن و زبان عربـــی عامل یگانگی آنها بود که به این تمدن، تمدن اسلامی می گفتند(استیون لوکاس، ۱۳۷۸: ص۴).

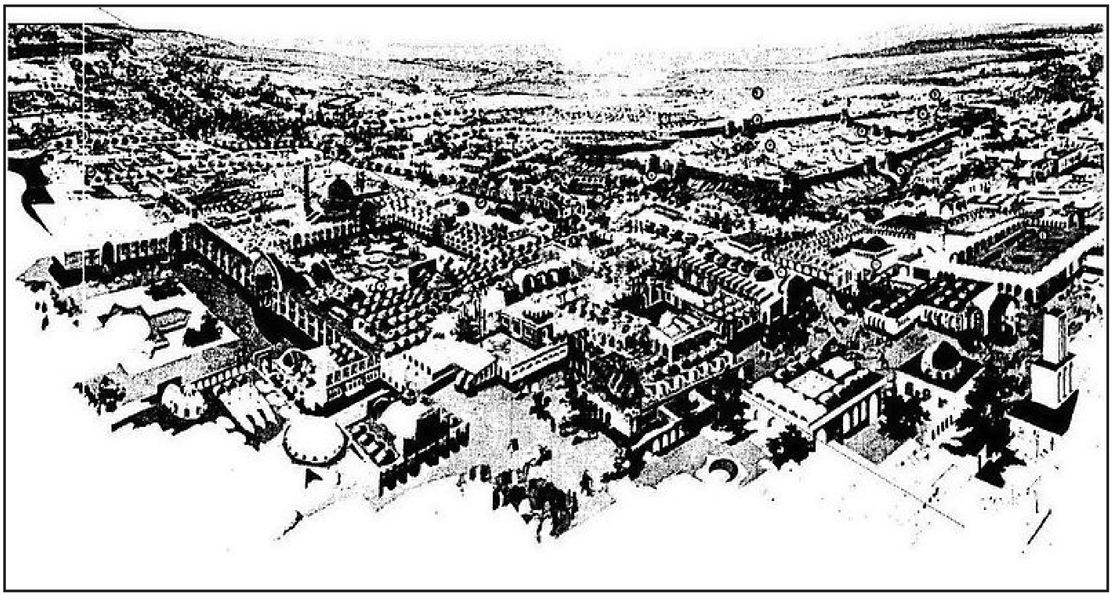
انســـان پس از ارتباط با محیط بیرونی و کســـب تجارت و اکتســـابهای گوناگون اولیه در پرتو اســـتعدادهای فطری در مســـائل مختلف دســـت به آفرینش زده و دستاوردهایی گوناگـــون عرضه کرده که تمـــدن را بوجـــود آورد. از دیگر عوامل پیدایش تمدن عامل مادی و طبیعی اســـت، زیرا اگر سرزمینی حالت کســـالت و بیحالی داشـــته باشد، حتی اگر از عامل انسانی فعالی برخوردار باشـــد، باز نمی‌توان انتظار ظهور تمدن در آن ســـرزمین را داشـــت، زیرا تمام نیروها بر رفع گرسنگی متمرکز می‌شـــود و فرصتی باقی نمی گذارد تا انسان به مســـائل ضروری‌تر و بنیادی‌تر بپردازد که در این مورد شرایط جغرافیایی نقش مهمی دارد. به هر حال انسان

با آســایش خاطر از مایحتاج اولیه زندگی به فکر ایجاد علم، فلســفه، ادبیات و هنر و غیره می‌افتد و در این صورت تمدن بوجود می‌آید(کاشفی، ۱۳۸۹: ص۴۵).
بهترین و بارزترین نمود تمدن در مکانهایی بوده اســت که این شرایط را داشته‌اند و این شــرایط در کنار رودها فراهم بوده اســت.در مجموع آنچه باید فراهم شود تا ارکان تمدن بر روی آن قرار گیرد، در حقیقت بســتری از آرامش و امنیت اســت یعنی امکان کاهش اضطراب‌ها و دل‌مشــغولی‌ها. البته به باور بســیاری ازجملــه ابن خلدون، هــر تمدن در مســیر شــکل‌گیری خود نیاز به نوعی غرور و همبستگی ملی دارد که ابن خلدون از آن به عنــوان عصبیت یاد کرده اســت(بلعمی، ۱۳۷۳: ص۴۶۶). این مفهــوم در واقع روح اصلی هر تمدن اســت. اصل همکاری و تعــاون باید مورد مقبول عامه واقع شــود تا گروهی هم نظر بر اســاس آن و با تکیه بــر اخلاقیات(که یکی از دلایل مهــم ایجاد تمدن است) بتوانند شالوده‌ی تمدن را پی‌ریزی کنند. حفظ وحدت و یکپارچگی نیز در رشد و اعتلای یک تمدن نقش بسزایی دارد. در پاره‌ای از موارد دین نیــز عامل ایجاد یا تقویت یک تمدن به شــمار می‌رود مانند آیین اســلام(ولایتی، ۱۳۸۲: ص۳۴).
اگر بخواهیم در مورد تمدن یک ملــت صحبت کنیم، باید از وســعت مملکت و عظمت و ثروت آن و نتایج و وســایل پیشرفت آن صحبت شود. از نظر وســعت مکانی در کتاب فرهنگ و تمدن اسلام و ایران آمده است، پهنه جهان اسلام را از مشــرق در منطقه ختارختن(در چین امروزی) تا منتهی الیه مغرب مسکون آن روزگار، یعنی مغرب اسلامی می‌داند و می‌گوید این گستردگی در شــمال خط مستقیمی بود که از شمال چین به سواحل شــمالی بحر قزوین(دریای خزر) وصل می‌شد و تا ارتفاعات پیرنه در جنوب فرانسه ادامه پیدا می‌کرد و در جنوب خطی بود که از مجمع الجزایر موجود در آسیای جنوب شرقی به منتهی الیه جنوبی شبه جزیره هند در زمینه دریایی و جنوب بیابان‌های خشک و بی‌حاصل افریقا در زمینه خشکی امتداد می‌یافت(همان: ص۲۴).

یافته های تحقیق

۱٫۴. نیشابور در عصر قدیم

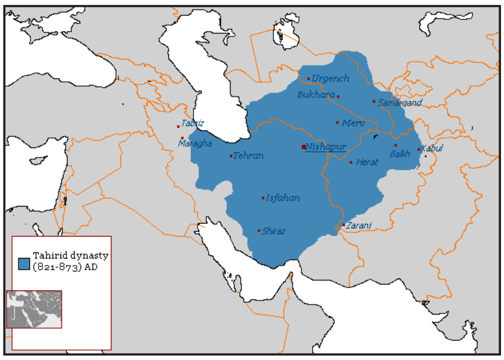
– خراب شــدن ریوند و شکل گیری شــهر جدید نیشابور: الحاکم در تاریخ خود یادآور می شــود که از مســجد جامع بسوی غرب تا احمدآباد ســبزوار را «ریوند» می نامند. پس شــهر باســتانی ریوند، بی هیچ گمان در این منطقه است و شاپور شــهر تازه را در سوی شــرقی آن بنا کرده و ریوند را ویران نهاده اســت، مگر آن که مردمان خود بنا به علاقه ی خویش، به آبادانی بخش هایی از آن همت گماشته اند. پس از اسلام، شهر به سوی ریوند گســترش مییابد و آن را در بر می گیرد چنان که مســجد جامع نیز، در مرز ریوند و نیشابور ساخته می شود آنگاه شــهر به سوی غرب ریوند کشیده می شــود تا به دروازه ی پول و رودخانه ی موسومی به نام کال جینگل در جنگل بنا شده، می رسد. از سوی شرق نیز، شهر گسترده می شــود زیرا که در نوشــته های پس از اسلام به دروازه ی شــرقی به نام «باب ابی اســود» در شرق بر می خوریم که نشــان می دهد پیش از اسلام ساخته نشده است زیرا در آن صورت نامی فارســی به خود می گرفت(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ص۵۱).
استخری در ســده ی چهارم باروی این شــهر را بصورت چهار گوشــه ای معرفی می کند، که هر یــک از برهای آن یک فرسنگ بوده است. «نیشابور» شــهری است در قلب خراسان. ســاختن نیشابور را به شــاپور اول ساسانی نسبت می دهند و اســم شــهر را به معنی «نهاده نیک شــاپور» می دانند. قدیمی‌ترین ســندی که از شــهر بودن نیشابور قبل از ساســانیان یاد می کند،کتاب اوستا اســت که با واژه «رئونت»(به زبان اوستایی: جلال و شکوه) از آن نام می‌برد. «ابرشهر» نام قدیم نیشابور اســت؛ احتمال دارد که این نام در اصل شــهر آپارناک یا آپارنی و جایگاه یکی از سه قبیله مهم پارت بوده باشــد که شاهنشــاهی نیرومند اشکانی را بنیاد کردند. در افســانه‌های مربوط به ایران باستان، بنای این شهر را به دوران اســاطیری ایران و به عهد طهمورث، نسبت داده‌اند. این زمان حدودا با هزاره چهارم قبل از میلاد مسیح، که شهرنشــینی رونق یافته بود، قابل انطباق است. بنای نیشابور را به انوش بن شــیث آدم نسبت می دهند، اما در واقع از زمان ساسانیان است که نیشابور چهرهی تاریخی و شــناخته شــده ای به خود گرفته و از هالهی ابهام و تردید بیرون می آید(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ص۵۱).
نیشــابور از آغاز قرن ســوم هجری که مقارن با حکومت طاهریان در خراسان بود تا اواسط قرن ششم دوران اعتلاء و شکوه خود را طی می کرد و مهم ترین بخش ممالک شرقی اسلامی محسوب می شــد و به قدری شهرک و دیه اطراف آن را فرا گرفته بود که از آن به عنوان «خزانه مشــرق» یاد می کردند. چون یکی از چهار شهر کرسی‌نشین خراسان بود لقب «ام‌البلاد خراســان» هم برای خود کسب کرده‌است و خاطرات عمارت، زیبایی و آبادانی این شهر برای رهگذران و مسافرانی که از آن عبور می کردند، فراموش ناشدنی بود. نیشابور را عروس شهرهای اسلامی و خزانه خراسان نامیده اند که در همه فصول، میوه های آبدار دارد و شربت اعجازگر و شهد و عسل آن معروف است(*Tetley*، ۲۰۰۸).



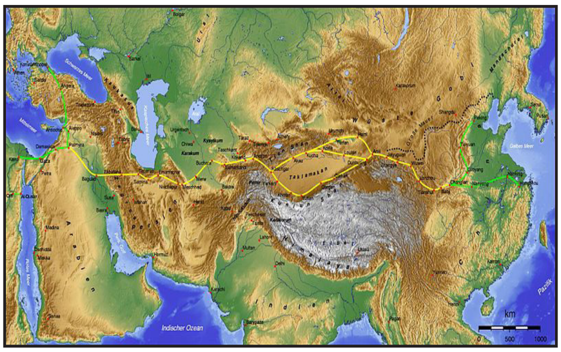
تصویر ۱-نیشابور قدیم

-موقعیت شـــهر نیشابور: موقعیت این شـــهر که شهر را بر سر راه همه شهر های خراســـان و دیگر بخش های ایران قرار می دهد، امکانات اقتصـــادی، تجاری و فرهنگی ویژه ای فراهم آورده است که شـــهر را بدان مرحله از گستردگی برســـاند که در تمام ادوار پیش از یورش مغولان، آبادترین شهر خراســـان و یکی از بزرگترین شهرهای ایران و جهان شـــود، چنان که پس از اســـلام نیز، مرکز بزرگ مسیحیان ایران و کلیمیان بود و نیز پایتخت زرتشـــتیان به شمار می رفت. شهر نیشابور داری آب و هوایی خوش است. شهر در میان دشتی گسترده نهاده شـــده که از سوی شمال محدود به کوه بینالود می باشـــد. از این کوه، ذخیره های سرشار از آب های زیر زمینی از شـــمال به جنوب روان اســـت که با برآوردن کهریزها و دولاب ها دشـــت نیشـــابور را سرسبز و پربار می کند و ایـــن خود به گردهمایـــی مردمان و بنای روستاها و شـــهرهای نخســـتین کمک می کند. پناهگاه شـــمالی، یعنی کوه بینالود هم چون دژی شـــهر را از برخی یورش های همســـایگان شـــمال غربی ایـــران محافظت می کند به طوری که شـــهر در پناه این حصـــار و نیز در پناه پادگان بزرگ شرقی ایران که همواره در شهر توس جایگاه داشته، می توانســـته است که چند دم بیشـــتر از شهرهای دیگر خراسان از یورش ها در امان بماند(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ص۵۲).

افزون بر همـــه موجبات طبیعی و اقلیمی، کوهســـتان بلند پر آب روان بینالـــود، آب های زیر زمینی، جاده ابریشـــم و آن موقعیت طبیعی که نیشـــابور را دروازه خراسان داشته، چند انگیزه ی دیگر نیز برای ایجاد و گســـترش شهر وجود دارد. نخست کوه ریوند که با داشـــتن کانی اورانیوم، بعضی از شـــبانگاهها در برخی از مکان ها نورانی می شـــود و این شگفتی بزرگ در مردم ایجاد شـــکوه و احترام بدان کوه را می کرده اســـت، به طوری که یکی از ســـه آتشکده بزرگ ایران باستان "آتشکده خودسوز برزین مهر" بر فراز آن کوه قرار دارد(Frye, ۱۹۶۵).



تصویر ۲- گستره فرمانروایی طاهریان



تصویر ۳-نقشه راه های جاده ابریشم

اگر به جریان تاریخ شهر نیشـــابور به دقت تفکر کنیم می‌توان گفت که از قرن ششـــم هجری به بعد هر خرابـــی مقدمه‌ای بر آبادی بوده اســـت. علل تخریب پی‌درپی این شهر به شرح زیر بوده است:

جنگ‌ها و هجوم ها: نیشابور مانند تعدادی از شهرهای قدیمی دیگر چون ری و دامغان در شاهراه خراسان و جاده ابریشم قرار گرفته و این گذرگاه به غیر از این که پیوسته در خدمت تجارت و مسافرت بوده، مسیر تهاجم بیگانگان نیز قرار داشته‌است.

زلزله ها: علـــت دوم ویرانی این شـــهر، زلزله‌اســـت. آورده اند «آنچه را ســـرداران فاتح صرف‌نظر می کردند زلزله‌ها بر باد فنا می‌دادند و البته باز نیشـــابور، آرام آرام تجدید قـــوا می کرد و از همین‌رو به تعداد دفعاتی که ویران شده از نو بنیاد گردیده و به پا خاسته‌است»، البته بنای جدید شهر معمولاً در محل سابق شهر پایدار نبوده و گاه تغییر مختصری می کرده‌است.

بی توجهـــی: علت مهـــم دیگری که مانع رشـــد سیاســـی و تجدیدقوای قابلیت‌های این شـــهر شـــده، مربوط به مدیریت جدید دولت مردان ایرانی اســـت که توجه به مرکز سیاسی هر اســـتان را مهم تر از هر چیز می‌دانند(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: صص۵۳-۵۲).

- نیشابور، شـــهر دروازه های خورشید: شـــهر باستانی نیشابور به جز دروازه هـــای کوچک، چهار دروازه بزرگ داشـــته که هر چهار دروازه، رو به سوی خورشـــید داشته اند و هنگام برخاستن خورشید، نخستین پرتوهای آفتاب از هر چهار دروازه به اندرون شهر می تابیده است. این آگاهی را «امام الحاکم» نیشابوری در تاریخ نیشابور به ما می دهد، که چون شـــاپور خواست که شهر نیشابور را بنا کند، چهار دروازه در چهار سوی آن چنان بساخت که همگام برآمدن آفتاب از هر چهار دروازه، آفتاب به درون شهر می تابد؛ اگرچه نقشه آن شـــهر در دست نیست ولی می توان به یاری اندیشه، این نقشـــه را چنانکه در نگاره آمده است، مجسم کرد. مقدسی بســـیاری از دروازه ها را در نیشـــابور نام می برد و روشن اســـت که همه این دروازه ها، دروازه ای بیرون شهری نبوده اند. پس چنین پیداست که دروازه های کهن دژ نخستین، با گسترش شـــهر در میانه شـــهر قرار می گیرد و آن گاه که باره ی دوم بر گرد شهر گسترش یافته کشـــیده می شود آنجا را نیز دروازه های تازه می سازند و با گسترش هر باره ی تازه به شمار دروازه ها افزوده می شود(بایمت اف، ۱۳۸۵: صص۴۵-۴۳).

در هر حال چهار دروازه ی شهر بنا به روایت نامبرده، دروازه ی پول(پل)، دروازه کهن دژ، دروازه کوی معقـــل و دروازه ی پل تکنین، کهن دژ بیرون از شارســـتان و ربض پیرامون شارستان است، پس نقشـــه آن به گمان نزدیک چنین می شود؛ از دروازه های بیرونی ربـــض؛ دروازه جیک که ره به ســـوی بلخ و ماوراء النهر می گشوده است، پس دروازه شـــرقی است. دیگر، دروازه ی قباب(قبه ها، گنبدان) که راه عراق(ایران مرکزی) و گرگان را باز می کرده است، پس دروازه غربی است که از میان دو گنبد مهرآباد و شادمهرک می گذشـــته و دیگر، دروازه اسپربس که به ســـوی قهســـتان(جنوب خراســـان) و پارس، باز می شده که دروازه جنوبی اســـت و چهارمی دروازه احـــوض آباد که می بایستی دروازه شمالی بوده باشـــد. ویژگی‌ها و امتیازات نیشابور را در گذشته می‌توان در چند توصیف خلاصه کرد: وفور نعمت، جمعیت فراوان، عمارتهای بســـیار و باشـــکوه، معادن فیروزه، تعداد زیاد کاروان‌ها و کاروانســـرای‌ها، رونـــق تجارت، کثرت مدارس و خانقاه‌ها، مســـاجد و کلیســـاها(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ص۵۳).

- آب رسانی: در نوشته های باســـتانی، از چهار رود که در میانه ی شـــهر جاری اســـت ســـخن می رود. این رودها به گفتهی شقاندیر، دارای بشتقان و خروه نام داشته و به گفته ی الحاکم؛ مازول، شامات، ریوند، بشـــتفروش، امروز این نام ها دگرگون شده و سه رشـــته از این رودها، در شـــور کنونی جاری است که دو شـــاخه ی آن، آب موســـمی دارد و یکی که آب میرآباد را به شهر می رســـاند، همواره آب دارد. این سه رود از شرق به غرب، نخســـتین، آب کال غار، دیگری آب کال میرآباد و ســـومی آب کال جینگل را از بینالود به ســـوی جنوب مـــی آورند. چنان که پیش از این یاد شـــد، کهریزهای فراوان از زیر شـــهر نیشابور می گذشـــت(که امروز همه آنها خشک شـــده) و مردمان از آن کاریزها آب بر می داشتند و در خانه هایی که چاه کهریز موجود نبود، شـــاخه ای از قنات بدان می کشـــیدند. یکی از شیوه های دسترسی به آب در شـــهر، کندن «پایاب» بوده است و پایاب، چاهی زاویه دار بوده اســـت که به آب قنـــات در زیر زمین می رســـیده و مردمان از لبه ی آن پایین رفته آب بر می داشـــتند. شـــبکه بزرگ آب رســـانی شـــهر از رودخانه بوژان(بشتقان) بوده اســـت که در محلی که دیده نمی شـــود و از چشم دشمن به دور اســـت، آب را به زیـــر زمین می بردند و با تنبوشـــه های بزرگ و کانال کشی حساب شده، به شـــهر وارد می کرده اند و از آنجا به شـــاخه های فراوان و تنبوشـــه های کوچک تر آب را به درون کوی ها یا خانه ها می رسانده اند. این سیستم آبرسانی هنوز، مـــورد کاوش قرار نگرفته، اما در شـــهر کی بـــه نام اندلو یا اندرآب در غرب روســـتای فیشـــان، معدن فیروزه نیشـــابور این سیســـتم برقرار و هنوز خزانه ی آب آن از اندود ســـاروج و ایزولا یسون باستانی برخوردار است(همان: ص۵۵).

-کوی ها: برخی از نویســـندگان از ۵۰ کوی، برخی ۵۴ کوی و برخـــی از ۶۴ کوی و در یک جا از ۶۸ کوی نیشـــابور یاد شـــده اســـت که همگان به گونه ی خانه شـــترنگ ســـاخته شده اند. این کوی ها هر یک برای خود، از مســـجد و کاروانســـرا و آب

انبار و تاسیسات همگانی حتی گورســـتان برخوردار بوده است. یکی از کوی ها که از آن نام برده می شـــود «کوی ناوســـار» است. «ناو»، نیم تنه درختی میان تهی است که یک سر آن در زمینی بلند و ســـر دیگر آن نیز بر زمین بلند دیگر جای میگیرد، چنان که آب را از آن بلندی به این بلندی می رساند بی آنکه در زمین پست میانین روان سازد. هنوز در نشـــابور کوچه ای بنام کوچه ی «ناو» هســـت که تا چندی پیش چنیـــن پدیده ای در آن بود. از نام کوی ها، چند نام شـــگفت به جا مانده است: یکی کوی تلاجرد(تلاجرد بالا و تلاجرد پاییـــن) که این نام معرب «تلاکرد» اســـت که معنی ساخته شـــده ی بارز را می رساند. در شهر باستانی چون نشـــابور دور نیست که چندین ساختمان زرکرد داشته باشد که این نام را بر آن نهاده بوده اند. کوی دیگر «سیم جرد» اســـت، معرب ســـیم کرت که آن را با سیم یا نقره ســـاخته بوده اند، این کوی نیز دو بخش داشته است: سیمجرد بالا و سیمجرد پایین. دیگر کوی «زیق بو یا باد»، که نشان می دهد دارای بوســـتان های بزرگ و بوی گل و گلاب بوده است. از نام های دیگر «دارابجرد» اســـت که پیشینه ی ساخت آن را به زمان هخامنشیان می رسانند؛ زیرا که «داراب» در شاهنامه و روایات باستانی معرف دوره ی هخامنشیان و داریوش، چنان که پایتخت داریوش که امروز تخت جمشیدش می خوانیم، در شـــاهنامه دارابکرت، دارابگرد و دارابجرد آمده است. نام برخی دیگر از کوی ها که در تاریخ ها به ویژه در تاریخ نیشابور الحاکم آمده است عبارتند از: باغ کنار، ویناکاباد، باغک و شهرستانی که هر دو کوی یهودی نشین بوده اند، شـــاپور، فازرشک، دزکان، یشمان آباد، زمجار بالا، زمجار پایین، سوربن، خشانه، باغ پهله، برزگرآباد و خول(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ص۵۸-۵۷).

- بازارها: گرمی بازار نیشابور و بسیاری داد و ستد که به توسعه شـــهر و ایجاد برخی از ویژگی های شـــهری ازجمله بازارها و کاروانسراها و تاسیسات پیوســـته همچون: آب انبارها، کوچه ها، اصطبل ها، خوردی پزی ها، تماشـــا خانـــه ها، گردش گاه ها و غیره را ایجاد می کند. از نظر مســـایل شهرسازی، تفکیک بازارها و نیز پدید آمدن بازار، ویژهی خوردی پزان است. آیینی که امروز در شهرهای بسیار بزرگ پیشـــرفته اروپایی دیده می شـــود که افزون بر خوردی پزی های محله ها در یک راســـته بزرگ، رســـتوران های مجلل بین المللی یا ویژه ی کشورهای دیگر تاسیس شـــده اســـت که جهانگردان و بازاریان از هر رده و تیره بتوانند در یـــک گذرگاه ویژه به همـــه چیزهایی که می خواهند دست پیدا کنند. چنین اســـت که در نوشته ها از راسته بازارهای ســـراجان، کفشـــگران، نمدمالان، پارچه فروشان، زرگران، خوردی پزان، میوه فروشـــان، شیرنی فروشان و غیره یاد شـــده اســـت. موضوعی که ضرورت اقتصادی امروز اروپا، بازارها را بدان سوق داده اســـت یک هزار سال پیش در نشابور دیده می شود. شهری که بدان رسته ها و صنف ها از همه گونه همچون: خرازان، ریسمان بافان، حریر بافان، کوزه گران، کاسه گران، کاریگران(معماران)، آهنگران، مـــس گران، رویگران، شیشـــه گران، مطربان، مغنیان و حتی قمار بازان وجود داشته است. در میان بازارها، تیم ها و تیمچه ها و کاروانسراهایی برای اصناف مختلف وجود داشته که هر صنفی جدا از دیگران، جای مخصوصی را برای خود داشته است. بازار نیشابور در زمان های مختلف، اندازه های گوناگونی داشـــته اســـت، اما در زمانی که ابوسعید ابوالخیر در آن می زیسته اســـت، یعنی یک هزار سال پیش تر، بازار نیشـــابور، از دروازه شـــرقی تا دروازه پول(که حد غربی شهر امروز نیشابور نیز هست) یک فرسنگ بوده و چنان که پیش از این آمد، بازارهای عمود بر آن نیز بســـیار داشـــته و وجود چهارسوها می رساند که از شمال به جنوب نیز بازارهایی آن را قطع می کرده اســـت(بایمت اف، ۱۳۸۵: صص۴۵-۴۳). یکی از دستاوردهای پیشه وران نیشابور، سفال و آبگینه ی آن بوده که در موزه های جهان و از همه بیشتر در موزه آبگینه ایران شاهد انبوه آوندهای سفالین و شیشه ای هنرمندان نیشابور بوده اند؛ گستردگی همین بخش از بازار نیشابور پس از هزار سال به آفاق جهان پیوســـته و بیننده را بجز از شگفتی مطلق از آن همه جوشش و هیاهو که در یکی از بازارهای آن وجود داشته است، دست نمی دهد(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ص۵۹).

- مســـاجد: ایرانیان برای مقابلـــه با بغداد، نیشـــابور را از جنبه های اسلامی بدان پایه رســـاندند که بیشـــترین مساجد را در آن ساختند. نخســـتین مســـجد را عبدالله عامر هنگام ورود و گشودن نیشابور، با ویران کردن آتشـــکدهی مرکزی شهر در کهندژ بر جای آن ســـاخت و با موافقت فرمانروا زرتشـــتیان در بیرون شهر آتشکده ای ساختند. مسجد جامع نیشابور را چنان که گویند، ابومســـلم خراسانی ساخت. این مســـجد بنا به گفته الحاکم نیشابوری در زمینی به گستردگی ۳۰ جریب ساخته شد و هزار ستون داشـــت و یکصد خدمت گزار کارهای آن را انجام می دادند. حوض و یخچال بزرگی در میانه ی ســـر آن داشت و شصت هزار نفر در آن در هر نوبت نماز می گذاردند. این مسجد دارای دو گلدسته بود که نســـبت به دیگر ساختمان ها، کوچک می نمود و منصور پســـر طلحه پســـر طاهر آن ها را ویران کرد و بر جای آن گلدســـته ای بلند ســـاخت ولی پس از چندی آن گلدسته به ســـویی متمایل گشـــت و یعقوب لیث، آن را ویران کرد و گلدسته ی بزرگتری بر جای آن ساخت، آن گاه معماران نیشابوری در زمان خمارتکین آن را نیز خراب کردند و گلدسته ای بلند تر و باشکوه تر به جای آن ســـاختند که هنگامی که باد می آمد، مانند شاخ درخت، تکان می خود بی آن که آجری از آن بیفتد. این مســـجد دارای منبری بسیار باشکوه نیز بود که بدین روی بدان، مسجد المنبر نیز می گفتند، که به فرمان عمرولیث

در میدان معروف به لشگرگاه ساخته شــده بود و سقف آن، بر ستون هایی از آجر متکی و پیرامون مســجد، سه رواق و دیوار مسجد با کاشــی های زراندود آراســته بود و یازده در داشت. مسجد مطرز که بســیاری از بزرگان و فقها در آن تدریس می کردند، با چوب های منقش و تذهیب شده تزیین شده بود که در هنگام حمله ی غزان آن را آتش زدند. الحاکم می گوید وسعت این مســجد، چنان بود که در یک نوبت دو هزار نفر در آن نماز می گذاردند. مساجد دیگری همچون مسجد سلطانیه، مسجد کریمی، مسجد امام یحیی، مسجد صرافین(اصفهانی)، مسجد مربع الکبیره، مسجد معروف، مسجد زیادی، مسجد باب معمر، مسجد حمش و غیره نیز از مساجد میلادی نیشابور می بوده اند(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ص ۶۱).

– مدارس: در کنار این انبوه مسجد، مدرسه های فراوان نیز در نیشابور ساخته بودند. نیشابور در طول تاریخ یکی از بزرگترین مراکز دانش اسلامی، و موطن بســیاری از دانشمندان، شعراء، صوفیان و دیگر بزرگان بوده و به عنــوان نماد تاریخ و فرهنگ ایران مطرح شــده که بزرگترین مردان تاریخ و فرهنگ ایران در آنها، به دانش اندوزی مشــغول و هیاهــوی آن هنوز جهان را فرا گرفته اســت. از آن جمله مدرسه نظامیه نیشابور است که در عظمت آن سخن فراوان گفته شده است. مدرسهی ابوعلی دقاق(عارف بزرگ)، مدرسه ابوالنصر ابی الخیر، مدرسه صیفی، بیهقیه، سوره، صاعدیه، قشیریه، صابونی، پشت، احود ثعالبی، مشطی، صندلیه، میان دهیه، کوی ســیار، جاجرمی، سیوری، بارکه و مدرسه ابوالحسن حنانی سایر شــهرهای نیشابور می باشــد. در بزرگ‌شــهرهایی چون نیشــابور، بلخ، هرات و مرو در قلمرو شــرقی دنیای اســلامی، قبل از «نظامیه‌ی بغداد» و یا «مدرســه‌ی ابوحنیفه» که گفته‌اند ایــن دو، در نیمه‌ی دوم قــرن پنجم هجری یــا یازدهم میلادی تاسـیس شــده‌اند، مدارس بســیاری به دانش‌گستری و اشــاعه‌ی نگرش علمی می‌پرداخته‌اند که در این میان شــهر نیشــابور، کانون تبادل و اشــاعه‌ی اندیشــه‌ها و قطب علمی دنیای اســلامی بوده اســت(همان: ص۶۴). معمولاً آنچه به عنــوان علم در دوران شکوفایی علمی نیشــابور از آن یاد می‌شود بیشتر به علوم نقلی و مذهبی و علوم پایه شــامل حدیث، فقه و تفسیر، ریاضیات و نجوم اشاره دارد.

۲,۴. نیشابور در عصر جدید

– بافت شــهری نیشــابور در ســدهی چهاردهم هجری: در آغاز ســده ی چهاردهم هجری، شهر نیشــابور به شکل مربع مســتطیلی بود که پیرامون آن به ۳۳۰۰ گــز (۳۴۳۲ متر) می رسید. دو خیابان، یکی از مشــرق به مغرب و دیگری از جنوب به شمال امتداد می یافت که این دو، تقریبا وسط شهر، یکدیگر را قطع می کردند و نقطه ی تقاطع این دو، چهار بازار نیشــابور خوانده می شد. این چهار بازار از هر سمت به دروازه ای منتهی می گردید که به ترتیب عبارت بود: از شرق به دروازهی مشهد، از جنوب بــه دروازهی عراق، از غرب بــه دروازهی پای چنار و از شــمال به دروازهی ارگ. در حدود ده هزار نفر ساکنان شهر در چهار کوی ســرتلخ، بالا گودال، سرسنگ و سعدشاه زندگی می کردند. صرف نظر از سادات قدیمی شهر که به حکم سنت دیرینه، مســتمری خاص داشتند و مشــمول تخفیف هایی از طرف دولت بودند، اکثریت نزدیک به اتفاق نیشــابوریان از راه کشاورزی و کار در معادن فیروزه و نمک امرار معاش می کردند. حدود ۴۵۰ دکان نیازمندیهای شــهر را فراهم می ساخت و این شــهر در این زمان دارای ۱۱ گرمابه، دو دبستان و دو کاروانسرا بوده است(مشکور، ۱۳۷۱: ص۲۲۵).

– موقعیت شهر نیشابور در عصر حاضر: شهر نیشابور در شمال دشت حاصلخیز نیشــابور در دامنه ی جنوبی کوه های بینالود واقع شده است. این شــهر در عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه و طول جغرافیایی ۵۸ درجــه و ۴۷ دقیقه از نصف النهار مبدا قرار گرفته و ارتفاع متوســط آن از سطح دریا حدود ۱۲۵۰ متر اســت. شهر نیشــابور به واســطه ی قرار گرفتن در مسیر یکی از شــاهراه های اصلی ایران(تهران – مشهد) و همچنین برخورداری از ایســتگاه حمل و نقل ریلی(راه آهن) در استان، دارای موقعیت ارتباطی ممتازی است. فاصله اش تا مشهد ۱۲۰ کیلومتر، تا شــهر تربت حیدریه ۱۷۰ کیلومتر، تا شــهر کاشمر ۱۴۲ کیلومتر، تا شــهر چناران ۱۹۶ کیلومتر، تا شهر سبزوار که نزدیک ترین شهر به آن می باشد ۱۱۵ کیلومتر و تا تهران ۷۶۸ کیلومتر می باشد. این شهر در فاصله ی تقریبی ۱۵ کیلومتری جنوب ارتفاعات بینالود قرار گرفته، اراضــی اطراف آن دارای هیچ گونه پستی و بلندی خاصی نیســت و بافت فیزیکی شهر دارای یک شیب عمومی حدود یک در صد، از شرق به غرب و از شمال شرق به جنوب غرب می باشد(کاشفی، ۱۳۸۹: ص۴۵).

– محلات، مراکز اقتصادی و دروازه های شــهر نیشــابور در اوایل سدهی چهاردهم هجری: در اوایل قرن حاضر، حصار و باروی شهر در هم شکســته و دروازه هایش برداشته شد و شهر خارج از خندق به سمت شمال و شــمال غرب توسعه یافت. در این زمان شــهر، دارای بازار، محلات متعدد و دو خیابان اصلی متقاطع، یکی جنوب شرقی – شمال غربی(خیابان امام خمینی فعلی) و دیگری با جهتی شمال شرقی – جنوب غربی(فردوسی شمالی و جنوبی فعلی) بوده اســت. عامل جداگزینی محلات در این شهر برخلاف سایر شهرها، اختلافات شغلی و وضعیت اقتصادی نبوده بلکه عمل قومی، نژادی و مذهبی تاثیر فراوان در شکل گیری محلات شهر داشته اســت، به طوری که اکثر فامیل ها در یک محله زندگی می کردند. نوع معیشــت مردم

شـــهر، از طریق زراعت و کشـــاورزی در زمین های اطراف و باغ های میوه در غرب و شرق شهر و اشـــتغال به امر تجارت و صنعت تامبن می شد و اکثر ارامنه ی شـــهر در بخش تجارت و صنعت ســـرمایه گذاری می کردند. در دهه های اولیه ی قرن چهاردهم هــــق(۱۳۱۳ هـ.ش) همچنین بـــا تعریض خیابان امام از میدان باغات تا دروازه ی مشـــهد، سه میدان به نام های میدان خیام، میدان ایران، و میـــدان حافظ ایجاد گردید(بینش، ۱۳۲۹، صص ۴-۳). به موازت توســـعه ی خیابان های شـــهر، ساختمان های دولتی به سبک نوین توسط آلمانی ها در خارج از محدوده ی مسکونی شهر ساخته شد که شامل شهرداری و فرمانداری فعلی می باشـــد. همچنین دو کارخانه ی پنبه پاک کنی توسط ارامنه ایجاد گردید که نشانگر فعالیت های صنعتی در این مقطع زمانی می باشد. بعد از ســـال ۱۳۳۵ هــش روند توسعه ی شهر شدت یافت. تا این زمان به علت عدم دسترسی به آب، توســـعه ی شـــهر در جهت مجاری آب یا قنوات میسر بوده، ولی پس از این که آب لوله کشـــی در اختیـــار مردم قرار گرفت امکان سکونت در هر نقطه از شهر ممکن گشت و پس از افتتاح راه آهن سراسری تهران- مشهد نیز برخلاف شهرهای کشورهای غربی، توسعه ی شـــهر به سمت جنوب محدود شد. بعد از اصلاحات ارضی و سیاست های خاصی که در این مقطع از طرف دولت اعمال شد، تعداد زیادی از کشاورزان روستاهای اطراف شهرها، روانه ی شهرهای مشـــهد و یا سایر شهرهای استان مازندران شـــدند و تعدادی نیز جذب شهر نیشابور شده و در مناطق غرب، شرق و جنوب شرقی شهر مسکن گزیدند و در بخش های خدمات، صنعت و ســـاختمان به کار مشغول شدند. اساس طرح جامع شهر از ســـال ۱۳۵۰ هــش مطرح و پس از چند ســـال به مرحله ی اجرا درآمد(الحاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ص ۶۲).

طبق طـــرح جامع، خیابان هـــای جدیدی مثـــل ارگ جنوبی، شریعتی، ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور که بافت قدیم و جدید شهر را به یکدیگر متصل می کرد، احداث شد. خیابان کمربندی نیز در شمال شهر جهت محدود کردن توسعه ی شهر به طرف شمال به اجرا درآمد. تا سال ۱۳۵۰ اکثر منازل مسکونی در سطح شهر یک طبقه و به ندرت دو طبقه ساخته می شد و بادگیرها بر فراز منازل، چهره ی خاصی به این واحدها می داده که بعد از ســـال ۱۳۵۰ با تشدید سرمایه گذاری دولت در امر توسعه ی شهرها، چهره و بافت این شهر نیز دگرگون و ســـاختمان های دو و سه طبقه در شهر ساخته شد. بعد از انقلاب اسلامی روند توسعه ی شهر در جهت شمال و شمال غربی ادامه می یابد به طوری که شـــهرک های متعددی در این منطقه که اکثر ساکنان آن ها را کارمندان دولت تشکیل می دادند به وجود آمد(همان: ص ۹۸).

- جهات توسعه ی شهر در دهه های اخیر: طی دو قرن گذشته و بخصوص ۷۰ ســـال اخیر، توسعه ی شهر نیشـــابور پیرامون هســـته ی مرکزی شـــهر(همان بافت قدیمی)، یعنی اطراف تقاطع خیابان شـــرقی- غربی امام خمینی و شـــمالی- جنوبی خیابان های فردوســـی، پانزده خرداد و شـــهید جعفری تحقق یافته اســـت. با یک نظر کلی می توان گفت جهت توســـعه ی فضای شهر از سمت جنوب شرقی به سمت شمال غربی بوده و طی ســـالهای اخیر میزان این توسعه در جهات مختلف به شرح زیر بوده است:

در جهات غرب، شمال و شـــمال غربی، که بیشـــترین میزان توسعه ی شهری دیده می شـــود و به طور متوسط نسبت به حد بافت قدیمی نیشـــابور به شـــعاع ۲۰۰۰ متر تا ۳۰۰۰ متر، شهر گسترش یافته است.

میزان توسعه به سوی شـــرق، نســـبت به حد بافت قدیمی در حدود ۲۵۰۰ متر بوده است.

میزان توسعه در جهت جنوب غربی نسبت به حد بافت قدیمی به حدود ۱۵۰۰ متر می رسد.

میزان توسعه در جهت جنوب شرقی نسبتا کمتر بوده است.

در شـــرایط کنونی نیز اولویت نخســـتین توســـعه ی شهری، به سمت اراضی شمال و شمال شرق شـــهر تعیین شده است. بخشی از این اراضی، بایر(غیر قابل کشاورزی) و دارای موقعیت مناسب توپوگرافی(هموار و بدون پســـتی و بلندی خاص) می باشد(پیگلوسکایا و همکاران، ۱۳۶۷: ص ۲۶۶).

هستهی مرکزی شهر نیشـــابور که در واقع همان بافت قدیمی شهر می باشـــد در اطراف تقاطع خیابان شـــرقی- غربی امام خمینی و شـــمالی- جنوبی خیابان ۱۵ خرداد، شـــهید جعفری و خیابان فردوســـی شـــمالی قرار دارد که به میدان فردوســـی در جنوب و میدان های آزادی و بســـیج در شـــمال منتهی می گردد(همان: ص ۲۶۷-۲۶۶).

عناصر شهری اصلی و جدید نیشـــابور در دو طرف خیابان های اصلی شهر استقرار یافته اند که عبارتند از:

- محـــور خیابان امام خمینـــی: محور شـــرقی- غربی خیابان امام خمینی از میدان خیام در شـــرق آغاز و تـــا میدان حافظ(و یا به عبارتی تا میدان بیبی شـــطیطه) در غـــرب امتداد می یابد و از درون قلب شـــهر قدیم نیشـــابور عبور می کند، در حاشیه ی جنوبی این خیابان ســـه مرکز با ارزش فرهنگی — تاریخی مســـجد جامع، یک رباط قدیمی و بازار سرپوشیده قرار گرفته است. ارزش تجاری این خیابان بســـیار زیاد و سراسر طول آن به وسیله ی مراکز فعالیت های مختلف اداری، کسب، تجارت و بانک ها، هتل ها و مســـافرخانه ها تجهیز شده است. علاوه بر این، برخـــی ادارات دولتی و دیگر مراکز شـــهری نیز در آن تمرکز یافته و در مجموع مهمترین محور فعال شـــهری را پدید آورده است. محور خطی امام خمینی با چندین محور مهم دیگر

(شـــمالی – جنوبی) نظیر خیابان های ۱۷ شهریور، ۱۵ خرداد، شهید جعفری، فردوسی(شـــمالی و جنوبی)، سید جمال الدین اســـدآبادی و مدرس برخورد کرده و در این تقاطع ها اهمیت و ارزش خیابان امام خمینی تشـــدید شده است(رجب نیا، ۱۳۴۴: صص ۱۹۱–۱۸۸).

– محور خیابان فردوسی: این محور در امتداد شمالی– جنوبی از درون بافت قدیمی شـــهر عبور کرده و محور امام خمینی را قطع می کند. نقـــش اصلی این خیابان نیز تجارت و کســـب و کار می باشد. بازار سرپوشیده ی نیشابور از خیابان امام خمینی تقریبا به موازات خیابان فردوســـی(جنوبی) ادامه می یابد و در ۵۰۰ متری جنوب تقاطـــع امام خمینی و فردوســـی(چهارراه انقلاب) دارای یک دهانه ی اصلی دیگردر خیابان فردوســـی جنوبی اســـت، ادامهی خیابان فردوسی از شـــمال به بزرگراه کمربندی تهران– مشهد منتهی میشـــود و از جنوب در محل میدان فردوســـی با خیابان های ۳۰ متری و ۳۵ متری طالقانی برخورد پیـــدا می کند. دیگر مراکز جدید فعالیت های شـــهری همچون محورهای ۱۷ شهریور، بلوار شهید بهشتی، بلوار شهید هاشمی نژاد(بنیاد شهید)، خیابان شریعتی و خیابان های منتهی به کوی ها و شهرک های اطراف شـــهر از اهمیت محورهای فوق الذکـــر برخوردار نیســـتند، گرچه در اطـــراف محور قدیم سبزوار– نیشابور– مشهد(خیابان های ۳۰ و ۳۵ متری طالقانی) فروشـــگاه های لوازم اتومبیل و اکثر بنگاه های حمل و نقل و خدماتی شکل گرفته اند ولی این محور نیز علی رغم قدمتی که دارد محبوبیت محورهای اصلی شهر را ندارد(جوان، ۱۳۴۰).

– محلات نیشـــابور: آنچه از محلات نیشابور این عصر نام برده اند عبارت از محله شاهنبر در بالای شـــهر و محله فزو و محله نصر آباد و محله ملقاباد و محله رمجار که در بالای آن مســـکن مسلم بن حجاج قشیری بوده و محله باغ الرازیین و محله باب ابی الاسود در قسمت بالای شهر به طرف کوه و محله دارابجرد که پیوسته ی صحرا بوده است. در بالای شهر و محله جوری و حایط سلمه و نیز محله تلاجرد که مزار امام الحرمین جوینی و امامزاده محروق در آنجا قرار داشته است. از مهم ترین محلات شهر یکی همان محله حیره بوده و کهندژ یا قهندژ که جای قبر دقاق و قشیری و محمد بن یحیی را در قبله آن تعیین کرده اند. محله دیگر محله شـــادیاخ بوده که بعدها قبر عطار و به روایتی قبر مجدالدین بغدادی نیز در آنجا بوده و گویا تلاجرد و شادیاخ بسیار نزدیک به هم بوده و در داخل همین شادیاخ محله محمد آباد قرار داشته است(پیگلوسکایا و همکاران، ۱۳۶۷: ص ۲۷۰).

– بازارهـــا و مراکز تجـــاری و خدماتی: مهم تریـــن و قدیمی ترین بازار موجود در شـــهر، بازار سرپوشـــیده مربوط به دوره ی صفوی اســـت که دهانه اصلی آن در خیابـــان امام خمینی بوده و بـــه موازات خیابان فردوســـی جنوبی، حـــدود ۲۰۰ متر طول دارد، علاوه بر ایـــن بازار، در بـــازار روز چند بازار کوچک محلی(چهارشـــنبه بازار) و میدان بـــار در بخش های مرکزی، جنوبی و غربـــی در خیابان های امام خمینی، فردوســـی، بلوار طالقانی و خیابان کاشمر واقع شدهاند و ضمن اینکه در حاشیه ی این خیابان ها و خیابان های ۱۵ خرداد و ۱۷ شـــهریور سایر مراکز تجاری، خدماتی، سیاسی و اداری نیشـــابور نیز استقرار یافته انـــد، توزیـــع دیگر عناصر کالبدی شـــهر شـــامل بافت مســـکونی(قدیم و جدید)، مراکز فرهنگـــی، تفریحی، یادمان های مذهبی– تاریخی، پایانه های مســـافربری و حمل و نقل و سایر امکانات و خدمات و تجهیزات شهری می باشد(مهرین شوشتری، ۱۳۲۱: صص ۸۷–۷۴).

– سقف بندی بازارهای نیشـــابور: در این عهد بازار نیشابور به صورت سر پوشیده در آمده است. یعنی از عهد ابو علی حسن بن محمد میکالی(دوره ی محمود غزنوی) که در دوران ریاست او نیشابور نظم و انضباطی خاص یافت، این کار آغاز شد و به گفته یمینی شوارع و بازارهای نیشـــابور در ایام قدیم پوشیده نبود و اثارت(برانگیزانـــدن) غبار و تزاحم امطار(باران ها) متســـوققه (بازاریان) و اهل معاملات متاذی می شـــدند، در عهد ریاست او بفرمود تا ســـر بازارها فراهم آوردند و در مدت دو ماه سراسر شهر به تعریشـــات(جوب بســـت ها) پاکیزه و تسقیفات(سقف بندی) رایق بپوشـــیدند و هر جایی فرجه ای از بهر نفوذ شـــعله ی آفتـــاب باز گذاشـــتند و قرب صد هـــزار دینار. بـــر عمارت بازارها خرج کردند و شهر چنان زیبا شـــد که چشم از تصاویر و تعاریج(تزیینات ساختمانی) آن ســـیر نگشتی و هر صنفی بازار خاص خود را داشته اند از قبیل بازار دستار فروشان(سوق المناد یلیین). نام بعضی از گورستان های نیشابور آن روزگار در کتب رجال و تاریخ باقی است که خود نشـــان دهنده وسعت عجیب شهر است(لسترنج، ۱۳۶۴: صص ۴۰۸–۴۰۲).

– مسجد جامع شهر: این مســـجد تاریخی در حاشیه ی جنوبی خیابان امام خمینی(نزدیک چهار راه انقلاب) و تقریبا در قسمت مرکزی بافت قدیمی شـــهر قرار دارد. تاریخ بنای مســـجد به ســـال ۸۹۹ هـــق، یعنی از دوره ی حکمروایی سلطان حسین بایقرا، آخرین امیر تیمـــوری می باشـــد و آن را بزرگوار مردی به نام پهلوان علی کرخـــی فرزند بایزید کـــه مقبره ی وی نیز در این مســـجد می باشـــد، ســـاخته است. مســـاحت کل این مســـجد ۷۳۲۰/۵ متر مربع اســـت که ۴۵۹۵ متر مربع آن زیر بناست(مهرین شوشتری، ۱۳۲۱: صص ۸۷–۷۴).

– امامزاده محمد محروق: این امامزاده با گنبد کاشـــی کاری و ایوان های بلند در وسط باغ مشـــجری قرار گرفته و ابنیه زیبای قرن دهم به شـــمار می رود. در زیر گنبد، قبـــر امامزاده محمد محروق واقع شده است. کتیبه کاشـــی معرق ایوان و صندوق منبت و در ورودی حرم از زمان شـــاه طهماسب اول(قرن دهم

هجری) است. در این بقعه، یکی از اولادان حضرت موسی بن جعفر (ع) نیز مدفون است(همان، ص۸۴).
- بقعه قدمگاه: این بقعه، بنای زیبایی است که از قرن یازدهم هجری قمری به یادگار مانده است. این بقعه که به صورت هشت گوش با ایوان های بلند و طاق نماهای دو طبقه، مزین به کاشی های خشت هفت رنگ و قطار گچ بری است، در وسط باغ ایرانی در روستای قدمگاه قرار گرفته است. از کتیبه تاریخ آن چنین استنباط می شود که بنا، به امر شاه سلیمان و در سال ۱۰۹۱ ه.ق ساخته شده است.
اهم مراکز تاریخی-باستانی نیشابور عبارتند از:
آرامگاه نظام الملک بکروی، آرامگاه حکیم عمر خیام، آرامگاه شیخ عطار نیشابوری، آرامگاه فضل بن شاذان، آرامگاه کمال الملک(همان، ص۸۶).
- مرکزیت عجیب فرهنگی نیشابور: در هر یک از آن مدارس چندین عالم درجه ی اول عصر، از صاحبان مهم ترین تالیفات در زمینه های ادب و فقه و حدیث و اصول(کلام) و دیگر علوم عصر، به تدریس اشتغال داشته اند که فهرستی از نام مدرسین این مدارس خود کتابی خواهد شد پهناور و نام بعضی از این مدرسان را در آثار سمعانی و سیاق عبدالغافر و کتب رجال و حدیث و تاریخ و ادب می توان یافت و اگر به نام و نشان عده ی بی شماری از این دانشمندان توجه شود که منسوب به شهرها و نواحی دیگر عالم اسلامی هستند از سمرقند و فارس و غزنین و اصفهان و ری و گرگان و تفلیس و نخجوان و دربند و گنجه و شروان و بیلقان نو مرو رود و بغداد و هرات و سیستان و همدان و کرمان و کوفه و طبرستان و ساوه و فراغانه و چاچ و مصر و کاشغر نو اسروشنه و اخسیکت و یزد و میبد و کرج و صنعا و بخارا و نخشب و قزوین و مراغه و شوش و شوشتر و مغرب و میافارقین و کازرون و اهواز و جوزجان و خجند و هند و ختلان، می توان به مرکزیت عجیب نیشابور، به لحاظ فرهنگی پی برد و دید که چگونه از دورترین اقصای مغرب و مصر تا کاشغر و از تفلیس و نخجوان تا هرات و سیستان و هند، خیل دانشجویان علوم به این شهر سرازیر بوده است و ما نام این شهرها را از نسبت اشخاصی که عبدالغافر فارسی در سیاق خویش، به شرح حال آنها پرداخته، استخراج کردیم تا نشان دهیم که حوزه مهاجرت علماء و دانشجویان از کجا تا کجا، متوجه نیشابور بوده است(لسترنج، ۱۳۶۴: صص۴۰۸-۴۰۲).

نتیجه گیری

به طور کلی می توان خراسان را سرزمینی طولانی دانست. گسترده از نزدیک کرانه‌های جنوب شرقی دریای خزر تا بلندیهای حصار مانند پامیر و هندوکش، که در نظریه‌ای دیگر و در مقطعی از تاریخ، مرزهای آن از حلوان یاری تا شرق(آنجا که خور برآید) گسترده بوده‌است. در واقع خراسان گاهی شامل سرزمین پر نعمت جنوب دریای آرال(خوارزم) و نواحی آن سوی جیحون(ماوراءالنهر) و بسیاری از فلات ایران می‌شده که حدود شرقی آن تا چین می‌رسید ولی عملا این مرز از بلخ و بخش معروف به طخارستان(باختر باستانی) آنسوتر می‌رفت و در مغرب به همین گونه حدود خراسان کمتر به مرزهای زاگرس می‌رسید اما گاهی شامل قومس، جرجان، ری و بخشهایی از طبرستان می گشت و با آن که ماوراءالنهر غالبا با خراسان یکی گرفته می‌شد، ولی عملا آمودریا همان مرز شمالی خراسان شناخته می‌شد و گاهی عملا تا این حدود هم نمی‌رسید. در دوره اسلامی شهرهای بلخ، هرات، مرو و نیشابور چهار شهر اصلی خراسان بودند. خراسان بزرگ ایران پس از تجزیه در طی ۳۰۰ سال گذشته و در دوره قاجار توسط روس و انگلیس امروزه با این حال دارای ۳۲۰ هزار کیلومترمربع مساحت پهناورترین استان ایران محسوب می شود. همانطور که پیشتر اشاره شد شهر نیشابور به‌عنوان بزرگترین شهر و در قلب خراسان می باشد. این شهر مدت‌ها پایتخت ایران بوده و در نزدیک آن معادن معروف فیروزه قرار داشته و مکان بسیار خوش و مفرحی برای زندگی محسوب می گشته است. ابرشهر نام قدیم نیشابور است که احتمال دارد این نام در اصل شهر آپارناک یا آپارنی و جایگاه یکی از سه قبیله‌ی مهم پارت بوده باشد که شاهنشاهی نیرومند اشکانی را بنیاد کردند. نیشابور در زمان غزنویان و سلجوقیان از شهرهای مهم خراسان محسوب می شد. این شهر که یکی از مراکز تمدن و هنر ایران و خراسان است، شاعران و اندیشمندان بسیاری را در خود پرورانده است، در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و اکتشافات باستان شناسی قابل توجهی در آن صورت گرفته است. نیشابور هم اکنون شهری بزرگ و آباد است و آثار دیدنی بسیاری دارد، هر چند از نظامیه با آن همه استاد بلندپایه و دانشجو، اثری برجای نمانده‌است. لذا به دلیل اهمیت و جایگاه تاریخی و فرهنگی شهر نیشابور در خراسان بزرگ، به بررسی تاریخی آن در دو دوره قدیم و جدید پرداخته شده است، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شهر نیشابور در مقایسه با سایر شهرهای خراسان دارای دو وجه تمایز اساسی نظیر تاسیس مدارس و تدریس علوم مختلف و همچنین ساختن هرچه باشکوهتر مساجد برای رقابت و در نتیجه بالابردن سطح دانش و ایجاد برتری نسبت به سایر شهرهای اسلامی بوده و از نظر تجارت و صنعت نیز به دلیل وجود آثار تاریخی-باستانی و بازارهای فراوان بسیار حائز اهمیت بوده است.

منابع

استیون لوکاس، هنری.(۱۳۷۸). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات کیهان.

الحاکم نیشابوری، ابوعبدالله.(۱۳۷۵). تاریخ نیشابور، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر اگه.

بایمت اف، لقمان.(۱۳۸۵). «گلزار وصل است سیران ما: جســتاری درباره پیوندهای فرهنگی خجند و نیشابور»، ماهنامه کیهان فرهنگی، شماره ۲۳۷، صص۴۳-۴۵.

بلعمی، ابوعلی.(۱۳۵۳). تاریخ بلعمی، به تصحیح محمدتقی بهار و محمد پروین گنابادی.

بینش، تقی.(۱۳۲۹). "خراسان"، نشریه فرهنگ خراسان، سال دوم، صص۴-۳.

پیگلوسکایا، و. ن. و همکاران.(۱۳۶۷). شــهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساســانیان، ترجمه رضا عنایت الله، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

جوان، موسی.(۱۳۴۰). تاریخ اجتماعی ایران باستان، تهران: انتشارات علم زبان.

رجب نیا، مسعود.(۱۳۴۴). سفرنامه کلاویخو، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کاشفی، محمدرضا.(۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات زلال کوثر، چاپ سوم.

لســترنج، گ.(۱۳۶۴). جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شــرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

مشکور، محمدجواد.(۱۳۷۱). جغرافیای تاریخ ایران باستان، تهران: انتشارات دنیای کتاب.

مهرین شوشتری، عباس.(۱۳۲۱). ایران نامه یا کارنامه ایرانیان، تهران: چاپخانه فارس، جلد دوم.

ولایتی، علی اکبر.(۱۳۸۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

Frye, Richard Nelson. (1965). the histories of Nishapur, Harvard University Press.

Tetley, G. E. (2008). The Ghaznavid and Seljuk Turks: Poetry as a Source for Iranian History, Abingdon. ISBN 978-0-415-43119-4.